

# ثریا

شماره اول - سال اول  
 ۱۳۱۶ قمری  
 ۱۸۹۸ میلادی

روزنامه پست و دم شمال المنظم سنه ۱۳۱۶ بقمبری مطابق شهر ماوسه ۱۸۹۹ مسیحی  
 این روزنامه منتهی بچهار روز در هفته چاپ و در کتبخانه خیمه نشین و در مرکز کوفه و قریه و بیابان و طو بولتون  
 و در نایب و ادب و اخبار و غیره مسکن میگردد. علاوه بر این بجای دولت و ملت باشد بیکل تنوعیت قیود و طبع و نشر  
 بشود و هر ممالیکه بچاره بوسه فرود و در انتشار و عملیات سیاسی - اقتصادی و اداری و کمالی درون تر قیود نشینود

محرران: **کتابخانه**  
 مدیر: **علی محمد**  
 صاحب: **انبار و کتابخانه**  
 روزنامه (ثریا) در مصر  
 محل اداره: **بشارع نادین**  
**Mr. Ali Mohamed**  
**Khan Kairouani**  
 Rédacteur, Propriétaire  
 du Journal « Sareya »  
 Rue Media  
 Le Caire (Egypte)  
 قیمت اعلان: **مطری در فرانک**  
 است. در صورت تکرار **باید**  
 دارای **کدکتیوید**

شماره اول - سال اول  
 ۱۳۱۶ قمری  
 ۱۸۹۸ میلادی



بسم الله الرحمن الرحيم

## خطبه

سپاس و ستایش خدای را که سرلوحه جریده آفرینش و افتتاح روزنامه بینش به نام اوست. قدرت بالغه ربانیتش و از حضيض ثری تا اوج ثریا را فرو گرفته و حکمت کامله احدیتش از تحت تراب تا فوق افلاک پرده کشیده، علم و تمدن را زیور و پیرایه انسان قرار داد و به این صفت به سایر مخلوقاتش مزیت بخشید، عالم و جاهل و دانا و کانا به وحدانیت حضرتش معترف و خورده و بزرگ و وضع و شریف به فردایت جنابش مدعن، از وصف ذات پاکش زبان اهل امکان به (عَجَزَ الْوَاصِفِينَ عَنِ نَعْتِكَ) گوید، و از معرفت جوهر تابناکش لسان انبیا به (مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ) ناطق است. سپس سلام و تحیت بر روان سرور عالم و خلاصه اولاد بنی آدم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که پیکر نورانیش بهردای (قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) آراسته و تارک مبارکش به تاج (لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ) پیراسته و بر خلفای راشدین و

سر مقاله ها



اِثْمَهُ دِينَ مَبِينِ اسْلَامٍ، سُلْطَانِ عِظَامٍ، لَيْمًا دُو پادشاه عادل باذل اسْلَامِ که یکی آسْمَانِ شِهَامَتِ رَا کُوکَبِی اسْتِ ثَمِینِ وَ دِیْگَرِی جِهَانِ مَعْدَلَتِ رَا رِکْنِ رِکِینِ. دَعَایِ اِینِ دُو خُسْرِ وَ تَاجِدَارِ فَرِیْضَه مَسْلَمَانَانِ اسْتِ وَ اطَاعَتِ شَانِ فَرِضِ اَهْلِ اِیْمَانِ، قَوَامِ اسْلَامِ بَسْتَه بَه دَوَامِ اِینِ دُو دَوْلَتِ اسْتِ وَ ثَبَاتِ دِینِ مَحْمَدِی بَه اِتْحَادِ اِینِ دُو کُشُورِ که خَدَاوَنْدِ هِمَوَارَه جِیشِ شَانِ رَا مَنصُورِ وَ اَعْدَاءِ شَانِ رَا مَقْهُورِ فَرْمَايِدِ. وَ سَايِرِ اَمِیرَانِ اسْلَامِ بَه خُصُوصِ چِرَاغِ دُودِمَانِ خَدِیْوِیَه وَ حَکْمَرَانِ خَطَه مَصْرِیَه اَلْاَمِیرِ المَحْتَشَمِ وَ الخَدِیْوِ المَعْظَمِ عَبَّاسِ حَلْمِی پَاشَا لَازَلَّتْ اِیَامِ مُلْکُهُ وَ دَوْلَتُهُ.

### سبب نگارش این روزنامه

این بنده علی محمد کاشانی هنگام توقف و تحصیل در علیه اسلامبول گاه گاه که با دوستان وطن پرست ملت دوست ملاقات کرده، صحبت از دولتخواهی و ملت پرستی به میان می آمد. جمعی که مدتی در بلدان خارجه مانده و معنی (حب الوطن من الایمان) را دانسته و لذت ثمره تمدن و تربیت را چشیده، می گفتند امروز موافق شرع انور اطهر و مصالح جمهور ملک و کشور بر هر فردی از افراد ملت واجب و فریضه است که خدمت وطن را اهم عبادات و الزم طاعات داند که در دارین اجری عمیم و ثوابی عظیم دارد و از دست هر کس هر چه برآید در خدمت کوتاهی نکند.

دستت نمی رسد که بچینی گلی ز شاخ باری به پای گلبن ایشان گیاه باش و هم به مضمون آیه کریمه (و ذَکِّرْ فَاِنَّ الذِّکْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ) امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی چون دل دوزخیان کاسته دارند بی خبر و از مکر و کیدشان غافل اند، هیچ بهتر از نصیحت و ذکر نیست که عموم اهل وطن را از آن فواید مخصوصه حاصل آید، و جولانگاه این میدان جراید است چه که روزنامه آئینه ای است که حسن و قبح افعال را توان در صفحه آن نمود و پرده ای است که صورت زشت و زیبا را در متن آن توان کشید.

دیوار فرنگان چون خواهند معیار تمدن و ترقی کشوری را ببینند و دانش و بینش مملکتی را به دست آرند، اول به روزنامجات و شماره کتبخانه آن می نگرند، پس از



سنجش از روی بصیرت گویند که فلان کشور را از فلان کشور دانش، بینش و تمدن پیش است و از این رو مشخص شده که آمریکائیان در تمدن و ترقی بر اروپاییان سبقت گرفته‌اند، چه شهر «نیویورک» به جمعیت از لندن کمتر ولی به شماره روزنامجات و کتبخانه و رسائل موقوفه از ید، بلکه چندین برابر است. به علاوه، زبان ملک و ملت و محکمه دادخواهی هر یک، صفحات روزنامه و ستون‌های جراید است و اگر به حقیقت بنگریم علت غایی ترقی اروپا ازدیاد نشر روزنامجات و طبع مطبوعات شد.

داناایان هر مملکت معایب و قبایح اعمال ملت خود را بی‌مهابا نمودند و ابنای ملت گوش فرا داشته نصایح آن را شنودند و در اصلاح کار خویش برآمدند و امورات سیاسی و روحانی خود را به خوبی فیصل دادند و در میانه ملل و اقوام دیگر سربلند و مفتخر گشتند، چنانچه ملت آتازونی به همین وضع ترقی کرده از قید اسارت انگلیسی‌ها آزاد شد.

در این صورت امروز برای ما ایرانیان که طالب خدمت وطن هستیم به شرط قدرت قلم و قوت قدم، خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت و اقدام در این امر نیست و همواره مشوق این بنده بی‌بضاعت بودند که در این کار قدمی پیش گذارم و با قلم بشکسته و نطق بسته به انتشار روزنامه پردازد. چون ایام تحصیل منقضی نشده بود دریغ می‌آمدم که تکلیف دوستان را قبول کرده به تکلف کاری کند که از عهده انجام آن برنیاید و جواب به مداهنه و طفره می‌رفت.

ولی از آنجا که گفتار ایشان را مقرون به صواب و خالی از غرض و مرض شخصی می‌دانست و فواید این کار را عموم، نیت کرد که پس از تحصیل یکی دو زبان خارجه و اطلاع بر مسایل پولوتیک و سیاسی دول به این امر خیر مباشرت نماید و خواهش دوستان را به اجابت مقرون دارد. باری زمان به درازا کشید و روزگاری گذشت تا آن ایام که قصد ماندن اسلامبول را داشت به نهایت رسید و وقت آن آمد که به عهد و شرط خویش وفا کند و از عهد این دین برآید چون **خطه مصر** امروز از هر جهت برای انتشار اخبار صحیحه احسن ممالک خارجه است و مطبوعات در طبع و رواج هرگونه اخبار مهمه آزاد و فارغ البال است، به علاوه مرکزی است که از دو طرف به ایران اقرب از جاهای دیگر است، برای نشر روزنامه انتخاب شد و حروف ریز اسلامبولی



که نیکوترین حروفات جدیده است تدارک کرده به حضرت باری نشر این روزنامه که خداوندش از گزند اعدا حفظ فرماید این بنده بی بضاعت را توفیق بخشید و امیدوارم مشترکین چشم از نواقص آن پوشیده، به ملت پرستی خودشان در او نگرند و اگر در عبارات آن لغزشی یابند غمز عین فرماید. ■

من الله التوفیق و علیه التکلان

علی محمد کاشانی

